

مباحث تفسیری است که آشنایی با آن در فهم و تفسیر قرآن کریم نقش مستقیم و غیر قابل انکار دارد؛ از این رو اهمیت این موضوع را از دو جنبه علمی نظری، و تربیتی-علمی می‌توان مورد توجه قرار داد. از آن‌جا که محکم و متشابه به طور مستقیم با حوزه فهم و تفسیر آیات ارتباط دارد، در علم تفسیر مورد توجه جدی است و در شمار مباحث علوم قرآنی قرار می‌گیرد. با این حال، موضوع محکم و متشابه در دانش‌های اصول فقه، علوم حدیث، کلام و کلام جدید نیز مورد توجه و بحث است. در باب پیشینه این موضوع باید توجه داشت که عنوان متشابه در آثار کهن علوم قرآنی عمدتاً اعم از مشابهات لفظی و تشابه معنایی است. تشابه لفظی در آیاتی مطرح است که الفاظ آن‌ها از جهات مختلف با یک‌دیگر شباهت دارند، در مقابل، تشابه معنایی ناظر به آیاتی است که معانی آن‌ها در معرض شبهه و اشکال است. البته تفکیک متشابه لفظی از متشابه معنایی در مورد آثار کهنی که اکنون در دسترس نیست، دشوار و نیازمند شواهدی هم‌چون گرایش علمی مؤلفان آن‌ها و شناخت عصر آنان و نوع شبهات مطرح در روزگارشان است؛ با وجود این، در اثر حاضر مسئله تشابه معنایی محور اصلی مباحث است. گفتنی است سابقه تألیف در موضوع تشابه به دهه دوم قرن نخست هجری بازمی‌گردد.

در این کتاب، مباحث مربوط به محکم و متشابه و آرای مفسران اسلامی و نیز دیدگاه‌های مختلف در باب تأویل مشابهات طی دو بخش و یازده فصل ارائه شده است؛ بخش یکم به مباحث نظری پیرامون محکم و متشابه و بخش دوم به بررسی دیدگاه‌ها درباره تأویل آیات متشابه اختصاص دارد. «کلیات»، «معناشناسی محکم و متشابه»، «تقسیمات کلی محکم و متشابه»، «محکمت و قلمرو آن‌ها»، «مشابهات و قلمرو آن‌ها» و «علل، زمینه‌ها، حکمت‌ها و آثار تشابه»، عناوین فصل‌های شش‌گانه بخش اول را تشکیل می‌دهد. بخش دوم با عنوان «تأویل مشابهات و نقش راسخان در علم» در پنج فصل تدوین شده که عبارت است از: «معناشناسی تأویل»، «انواع رویکردها در تأویل آیات متشابه»، «رویکرد سلفیه در تأویل مشابهات»، «رویکرد امامیه در تأویل آیات مشابهات» و «راسخان در علم و آگاهی آنان از تأویل مشابهات». در بخشی از این کتاب می‌خوانید: «دومین مسئله اساسی در باب حروف مقطعه مسئله متشابه بودن حروف مقطعه و یا عدم تشابه آن‌هاست. درباره این مسئله میان مفسران اسلامی اختلاف نظر وجود دارد، ولی رایج‌ترین نظر در میان فریقین بر تشابه بودن این حروف است. بنت الشاطی می‌گوید: عقیده متشابه بودن حروف مقطعه، باور اغلب متأخران است، تا جایی که سیوطی همه اقوال و آرای مختلف درباره حروف مقطعه را در نوع محکم و متشابه آورده و تصریح کرده است که یکی از مصادیق متشابه، حروف مقطعه در آغاز سوره‌هاست. در مقابل این دیدگاه، همه کسانی که تفسیری روشن از حروف مقطعه به دست داده‌اند، حروف مقطعه را از دایره مشابهات خارج می‌دانند. بر این اساس باید گفت عموم مفسرانی که حروف مقطعه را از اسراری دانسته‌اند

درباره کتاب

پژوهشی در

محکم و متشابه در

قرآن کریم

ندا ملکی

دکتر محمد اسعدی و حجت‌الاسلام دکتر سید محمود طیب‌حسینی، پژوهشی در محکم و متشابه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۲

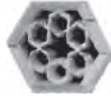
اشاره

در این کتاب، مباحث مربوط به محکم و متشابه و آرای مفسران اسلامی و نیز دیدگاه‌های مختلف در باب تأویل و مشابهات طی دو بخش و یازده فصل ارائه شده است.

مبحث محکم و متشابه یکی از بنیادی‌ترین مسائل علوم قرآنی مورد نیاز مفسر و مقدمه‌ای لازم برای تفسیر است. این بحث از یک زاویه در شمار مبانی تفسیر و از زاویه‌ای دیگر از قواعد تفسیر محسوب می‌شود. اساسی‌ترین مباحثی که در دانش محکم و متشابه باید به بحث گذاشته شود، تعریف دقیق محکم و متشابه، تعیین دامنه محکمت و مشابهات، تفسیر پذیر بودن یا نبودن آیات متشابه است. کتاب پژوهشی در محکم و متشابه که با کاربردی آموزشی نگاشته شده، تلاش دارد با پاسخ دادن به سؤالات اساسی فوق خلاً موجود در این زمینه را برطرف کند.

موضوع بحث در کتاب حاضر، پژوهش درباره مسئله محکم و متشابه در قرآن کریم (بر محور آیه ۷ آل عمران) است. همچنین درباره تأویل‌پذیری آیات متشابه، کیفیت تأویل صحیح آن‌ها، انواع مشابهات، و نقش آیات محکم در تفسیر آیات متشابه و جایگاه راسخان در علم بحث می‌شود. بحث محکم و متشابه یکی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآنی و زیربنایی‌ترین





یک حقیقت اشاره دارند و آن این که «محکمات» آیاتی هستند که مقصود واقعی آن‌ها در معنای ظاهریشان نهفته است و لازم نیست آن‌ها را به آیه دیگری ارجاع دهیم؛ از این‌رو، به‌طور مستقل قابل عمل یا اعتقادورزی‌اند، و آیات متشابه عبارت‌اند از آیاتی که مقصود واقعی آن‌ها در معنای ظاهریشان نهفته نیست، از این‌رو، برای به دست آوردن مقصود واقعی‌شان باید آن‌ها را به آیات مشابه و مرتبط دیگر ارجاع داده و سپس به آن‌ها عمل کنیم. از سوی دانشمندان اسلامی نیز تعاریف متفاوت و متنوعی از محکم و متشابه ارائه شده است. این تعاریف از سه زاویه ماهیت تشابه، گستره مفهومی تشابه و گرایش‌های علمی قابل بررسی است. در باب ماهیت تشابه چهار دیدگاه وجود دارد. در باب گستره مفهومی تشابه، دو دیدگاه خاص و عام دارد. در حوزه گرایش نیز سه نوع گرایش علمی متفاوت نسبت به تشابه وجود دارد: ۱- در گرایش تفسیری محور که تعریف آیه ۷ آل عمران است، متشابه عبارت

است از آیه‌ای که به‌رغم وضوح دلالتی و ظاهری، تردید در مقصود آن موجب اشتباه مفسران است و این اشتباه تنها با رجوع به محکمات قابل رفع می‌باشد؛ ۲. در گرایش فلسفی کلامی، متشابه معطوف به شبهات و معضلات عقلی در آیات بوده و عمدتاً در ارتباط با حوزه صفات الهی و احوال عالم غیب است؛ ۳. در گرایش اصولی ادبی، هر

آیه تا زمانی که در حالت نص یا ظهور به معنا قرار دارد، محکم است، اما همین که به هر دلیلی، اعم از شبهه و مشکل لفظی یا معنایی، از حالت نص و ظهور خارج شده و به دایره اجمال، اشتراک و یا معنای مؤول وارد شود، متشابه می‌گردد.

تقسیمات کلی محکم و متشابه

یکی از مباحث لازم در موضوع محکم و متشابه آشنایی با تقسیمات مختلف و مصطلحات به کار رفته در این تقسیم‌بندی‌هاست. در طول تاریخ تفسیر، دانشمندان محکم و متشابه را از منظرها و زاویه‌های گوناگون، به انواعی تقسیم کرده‌اند. این تقسیمات در واقع حاکی از دیدگاه‌های دانشمندان در مفهوم و قلمرو این مسئله است؛ به عبارت دیگر، این تقسیمات لزوماً حاکی از وجود واقعی همه این انواع محکم و متشابه در قرآن نیست، بلکه تنها حاکی از آرا و نظریات گوناگون در این باب می‌باشد و اهمیت توجه به آن نیز از این جهت است که پرتو روشنی به دیدگاه‌های متنوع در این بحث می‌افکند و

که خداوند علم آن را برای خود برگزیده است (عقیده رایج میان برخی متأخرین اهل سنت) و همه آنان که حروف مقطعه را از اسرار میان خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سپس اهل بیت آن حضرت دانسته‌اند (دیدگاه مشهور میان امامیه)، معتقد به متشابه بودن حروف مقطعه‌اند؛ به همین جهت بسیاری از مفسران شیعه با استناد به روایات ائمه معصومین علیهم السلام این حروف را از متشابهات شمرده‌اند. همچنین دیدگاهی که حروف مقطعه را ناظر به اسم اعظم خداوند یا رموزی دال بر صفات و اسمای الهی یا اسمای پیامبر و فرشتگان، و یا اشاره به حساب جَمَل (حساب ابجد) می‌داند نیز ناگزیر به متشابه معرفی کردن این حروف است؛ همچنان که در برخی روایات به این نکته تصریح شده است.»

این کتاب برای دانشجویان رشته علوم قرآن در مقطع کارشناسی ارشد، به عنوان منبع اصلی درس (محکم و متشابه) تدوین شده است.



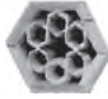
معنا شناسی محکم و متشابه

دو مفهوم کلیدی بحث حاضر یعنی «محکم» و «متشابه» به‌صورت اسمی یا «احکام» و «تشابه» به‌صورت مصدری، نیازمند بازشناسی است. از آن‌جا که در شناخت مفاهیمی از این دست، هم‌پشتوانه لغوی و معنای آن‌ها در ذهنیت عرب اصیل

اهمیت دارد و هم مفاد آن‌ها در فرهنگ دینی، و هم نوع نگرش عالمان اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مباحث فصل حاضر را در چهار بخش زیر دنبال می‌کنیم: بررسی لغوی؛ کاربرد قرآنی؛ کاربرد روایی؛ اصطلاح علمی.

«احکام» در لغت به معنای منع و بازداشتن و «محکم» چیزی است که از تصرف و دخالت و نفوذ غیر محفوظ و به حالت اصیل خود استوار و محکم باقی مانده باشد. «تشابه» در لغت به معنای شباهت داشتن یک چیز به چیز دیگر است، اما گاه در مواردی به کار می‌رود که این شباهت موجب اشتباه آن دو چیز شده است. در قرآن کریم «محکم» در همان معنای اصیل لغوی به کار رفته و یک‌بار به همه قرآن نسبت داده شده است که در مقابل آن تفصیل قرار دارد. یک‌بار نیز در مقابل متشابه آمده و به بخشی از قرآن نسبت داده شده و یک‌بار در مقابل نسخ به کار رفته است. متشابه نیز تنها دو بار در قرآن کریم به خود قرآن نسبت داده شده، و در همان معنای لغوی، یک‌بار وصف تمام تفسیر محکم و متشابه می‌باشند، معلوم شد که همه به





محکمت و قلمرو آن‌ها:

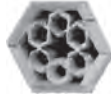
از دیگر سو، سبب می‌شود ضمن آشنایی با این تقسیم‌بندی‌ها و اصطلاحات به کار رفته در هر یک از تقسیم‌بندی‌ها، نسبت به مبانی و انگیزه‌های دانشمندان در آن و تداخل یا عدم تداخل آن‌ها با یک‌دیگر آشنایی حاصل شود؛ بنابراین، در این فصل سه پرسش درباره تقسیم‌بندی‌های مختلف محکم و متشابه بررسی می‌شود: ۱. چه تقسیم‌بندی‌ها و چه اقسامی از سوی دانشمندان برای محکم و متشابه بیان شده است؟ ۲. مبانی و انگیزه این تقسیم‌بندی‌ها چه بوده است؟ ۳. هر یک از این تقسیم‌بندی‌ها با چه نگرش و از چه منظری صورت گرفته است؟

در این فصل شش تقسیم برای محکم و متشابه گزارش شد. در غالب این تقسیم‌ها آیات متشابه محور اصلی تقسیم‌بندی است و به تبع و در مقابل آن، این تقسیمات شامل آیات محکم نیز می‌شود: ۱. متشابه حقیقی و اضافی: متشابه حقیقی، به باور طرف‌دارانش، به دسته‌ای از آیات متشابه اطلاق می‌شود که برای همه انسان‌ها حتی پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز متشابه و غیر قابل تفسیر و تأویل است، و متشابه اضافی به آیاتی اطلاق می‌شود که منشأ تشابه در آن‌ها قصور فهم و درک مفسر یا پیروی از هوای نفس و گرایش مذهبی او باشد. روشن است که این دسته از آیات برای راسخان در علم متشابه نخواهد بود. به نظر مفسران شیعی هیچ آیه متشابه حقیقی وجود ندارد؛ ۲. متشابه ذاتی و نسبی/اصلی و عرضی: متشابه اصلی یا ذاتی ناظر به آیاتی است که به دلیل اشتغال بر معارف بلند ذاتا و اصالتا از همان آغاز نزول، برای همه متشابه بوده‌اند و در مقابل، متشابه نسبی و عرضی آیاتی هستند که به تدریج و در پی مجادلات کلامی و سیاسی و... و قصور فهم مفسران بعدی متصف به وصف تشابه شده‌اند. اما در هر صورت، تشابه در هر دو نوع آن، برای غیر راسخان در علم است؛ ۳. متشابه مطلق و نسبی به دو معناست: الف متشابه مطلق آن است که تشابه بر سراسر آیه سایه افکند، و در مقابل، متشابه نسبی آن است که آیه‌ای از یک جهت محکم و از جهت دیگر متشابه، و یا بخشی از آیه محکم و بخش دیگرش متشابه، و یا نسبت به مدلول لفظی، محکم و نسبت به تفاسیل آیه، متشابه باشد؛ ب متشابه مطلق آن است که آیه‌ای برای همه حتی راسخان در علم نیز متشابه باشد، و در مقابل، متشابه نسبی آن است که تنها برای غیر راسخان در علم متشابه است؛ ۴. متشابه فعلی و شائی: متشابه فعلی آن است که تشابه در آن فعلیت داشته باشد و متشابه شائی آن است که زمینه و قابلیت سوء برداشت و تأویل ناصحیح در آن باشد؛ ۵. متشابه خاص و عام: این تقسیم اصالتا برای محکم است؛ بنابراین باید محکم را به دو قسم عام و خاص تقسیم کرد. محکم به معنای خاص در مقابل منسوخ قرار می‌گیرد و محکم به معنای عام در مقابل متشابه و ناظر به آیه ۷ آل عمران است؛ ع متشابه قطعی و نسبی: متشابه قطعی به آیاتی اطلاق می‌شود که به طور قطع می‌توان گفت مراد الهی غیر از ظاهر آن است، در مقابل، محکم قطعی آن است که مفاد ظاهری آیه با دلایل قطعی بر تأیید یا نفی معنای ظاهر آن‌ها در دست نیست و شایسته است در تفسیر آن توقف شود، اما معنای ظاهری ترجیح دارد.

در اشمال قرآن کریم بر آیاتی به عنوان «محکمت»، به دلیل صراحت آیه ۷ آل عمران، هیچ جای تردید نیست. اهمیت این دسته از آیات نیز که در آیه مزبور از آن‌ها به «ام‌الکتاب» یاد شده، ضرورت توجه جدی مفسران و قرآن‌پژوهان را ایجاب می‌کند؛ چه آن‌ها را مرجع و کلید حل تشابه آیات دیگر بدانیم و چه برای آن‌ها شائی مستقل برای بیان معارف در میان آیات قائل شویم. ضرورت فوق با گسترش تأملات معناشناسانه در عصر اخیر، شدیدتر احساس می‌شود؛ چرا که توجه به پیچیدگی‌های زبان و معنا و دانش فهم متون (هرمنوتیک)، دامنه «تشابه» را در قرآن به‌عنوان متنی دینی توسعه داده و عملاً باور به قلمرو قابل توجهی از محکمت شبه‌ناپذیر را مشکل ساخته است. این در حالی است که پیش‌تر غالب دانشمندان از غلبه آیات محکم در قرآن سخن می‌گفتند و با نگاه سنتی خود در جستجوی علل و عواملی برای توجیه تشابه در قرآن بودند؛ از آن‌رو که با نگاهی مؤمنانه، ضرورت مبین بودن و هدایت‌گر بودن زبان قرآن را اذعان می‌کردند و بروز تشابه را با حکمت الهی در انزال قرآن در چالش می‌دیدند. غلبه جدی مباحث پیرامون تشابه و آیات متشابه در مقایسه با مباحث پیرامون محکمت، در آثار علوم قرآنی گذشته، ریشه در همین امر دارد. در فصل حاضر سه پرسش زیر بررسی می‌شود: ۱. با چه ملاک‌ها و معیارهایی می‌توان آیات محکم را از آیات متشابه تشخیص داد؟ ۲. محکمت به‌مثابه «ام‌الکتاب» از چه نقش و جایگاهی در قرآن برخوردارند؟ ۳. قلمرو محکمت در قرآن چیست؟

در این فصل چهار معیار برای شناخت آیات محکم معرفی شد. البته این معیارها به همان نسبت، به شناخت آیات متشابه نیز کمک می‌کند. این معیارها عبارت‌اند از: معیار متنی: براساس این معیار آیات حامل یک وجه معنایی، محکم و آیات حامل چند وجه معنایی متشابه‌اند. هم‌چنین آیاتی که معنای ظاهری آن‌ها در نظر بدوی در تعارض با آیات دیگر به نظر می‌رسد، متشابه و آیاتی که چنین نباشد، محکم‌اند. معیار موضوعی: براساس این معیار، گروه‌هایی از آیات هم‌چون آیات ناسخ، حلال و حرام، حدود و فرایض، و عموم آیات احکام عملی، محکم و آیات منسوخ و معارف نظری و مثل‌ها و قسم‌ها متشابه شمرده می‌شوند. معیار عقلی: براساس این معیار ظهور یک آیه با مسلمات عقلی مفسر ارزیابی شده، در صورت عدم تعارض، محکم و با وجود تعارض، متشابه تلقی می‌شود. البته این معیار با توجه به اختلاف نگرش مفسران در تفسیر عقلی همواره مورد بحث و نزاع بوده است. معیار معرفتی: براساس این معیار هر آیه‌ای که مفسران در تفسیر آن اختلاف نظر داشته باشند، متشابه و هر آیه‌ای که مورد اختلاف نباشد، محکم خواهد بود. در باب نقش محکمت به‌عنوان «ام‌الکتاب» با توجه به معانی «ام» دو تفسیر مطرح است. مطابق یک تفسیر، آیات محکم از آن‌رو به «ام‌الکتاب» موصوف گشته‌اند که مرجعیت دارند. مرجعیت محکمت نیز به دو معنا می‌تواند باشد: ۱. مرجعیت نسبی؛ ۲.





مرجعیت مطلق. مرجعیت نسبی آن است که آیات محکم مرجع رفع تشابه از آیات متشابه‌اند و مفسر باید در مواجهه با آیات متشابه، آن‌ها را با توجه به محکمت تفسیر کند. مرجعیت نسبی خود دارای دو رویکرد ایجابی و سلبی است. مرجعیت مطلق آن است که آیات محکم مشتمل بر معارف و احکامی است که قابلیت رجوع و تبعیت مفسران را دارد، در مقابل متشابهات که این قابلیت را ندارند. به‌طور کلی کسانی که متشابهات را آیات و مضامین غیرقابل درک دانسته‌اند، به این معنا گرایش دارند. در تفسیر دوم، آیات محکم از آن‌رو به «ام‌الکتاب» موصوف گشته‌اند که جامعیت دارند. براساس این تفسیر، آیات محکم مرکز تجمع و نقطه ثقل معارف و احکام خاص و مهم و شبهه‌ناپذیر قرآن است. در باب دامنه محکمت در قرآن کریم نیز سه رویکرد وجود دارد: ۱. رویکرد اقلی؛ ۲. رویکرد اکثری؛ ۳. رویکرد میانه. در رویکرد اقلی، توسعه متشابهات به هر گونه تشابه لفظی و معنایی آن‌گونه که راغب اصفهانی به آن گرایش یافته و نیز تفسیر محکمت به نصوص صریح‌الدلاله و متشابه شمردن عموم ظواهر قرآنی در تقلیل دامنه محکمت مؤثر است. در رویکرد اکثری تقلیل دامنه متشابهات به آیات فهم‌ناپذیر و حروف مقطعه موجب توسعه دامنه محکمت می‌شود. اما با توجه به این که اولاً: تشابه مطلق و حقیقی در قرآن کریم قابل ادعان نیست و باید اصل اضافی و نسبی بودن احکام و تشابه را معیار قرار دهیم؛ ثانیاً: مفهوم متشابه در آیه آل عمران از تشابه صرفاً لفظی انصراف دارد و ثالثاً: ادله زیادی بر حجیت ظواهر قرآنی اقامه شده است، دو رویکرد فوق‌محدوش است و رویکرد میانه که برای هر دو حوزه محکم متشابه دامنه قابل توجهی در نظر می‌گیرد، موجه می‌باشد. انواعی از آیات محکمت را می‌توان در گروه‌های آیات مشتمل بر کلیات اصول اعتقادی، کلیات اصول اخلاقی، بخش‌هایی از قصص و اخبار تاریخی و آیات احکام جستجو کرد.

متشابهات و قلمرو آن‌ها

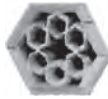
به‌طور کلی قلمرو متشابهات ارتباط تنگاتنگی با دامنه محکمت داشته و در نقطه مقابل آن قرار دارد؛ بر همین اساس، در باب متشابهات نیز سه رویکرد اقلی، اکثری و میانه مطرح است. مهم‌ترین ادله محدودیت قلمرو متشابهات از شاطبی است که دلالت آن‌ها بر مقصود وی ناتمام می‌باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد در باب متشابهات نیز رویکرد میانه بر آیه ۷ آل عمران منطبق‌تر است و بر اساس آن، آیات متشابه، به معنای نسبی و اضافی، قلمرو قابل توجه و نسبتاً گسترده‌ای در قرآن کریم دارند. مهم‌ترین حوزه‌های تشابه در شش گروه خلاصه می‌شود:

۱. حوزه اصول دین در سه بخش خداشناسی، پیامبر شناسی و قیامت‌شناسی از پرچالش‌ترین حوزه‌های تشابه در قرآن کریم است؛ ۲. در حوزه فروع و احکام شرعی، آن بخش از آیاتی که مشتمل بر فلسفه و ملاکات احکام است، و نیز آن بخش از آیاتی که مشتمل بر فلسفه و ملاکات احکام است، و نیز آن بخش از آیاتی که بیان احکام عملی است، ولی دچار پدیده نسخ (به

علل، زمینه‌ها، حکمت‌ها و آثار تشابه

وجود تشابه در پاره‌ای از آیات، از دیرباز مورد طعن منتقدان قرآن بوده است.^۱ سؤال مهم و اساسی در این‌جا آن است که چرا خداوند بخشی از آیات قرآن را متشابه قرار داده است تا دستاویز کج‌دلان قرار گرفته، با تأویل ناصحیح آن درصدد فتنه‌گری برآیند و موجبات انحراف و گمراهی مردم را فراهم سازند؟ در پاسخ به این سؤال و اینکه وجود تشابه در چه علل و زمینه‌هایی ریشه دارد و بروز آن چگونه با اهداف و مقاصد هدایت‌بخش و روشن‌گرانه این کتاب سازگار است، دانشمندان اسلامی و رویکردهای متنوعی دارند. برخی پاسخ‌ها به مسئله تشابه به عنوان امری ذاتی نگریسته و ضرورت‌ها و زمینه‌های بروز آن را در متن قرآن و اقتضائات آن جستجو کرده‌اند^۲ برخی دیگر متن قرآن را به خودی‌خود خالی از تشابه و این مسئله را امری





داشته است؟ آیا تأویل در علوم مختلف در همان معنای لغوی و قرآنی‌اش به کار رفته است، یا تعاریف دیگری از آن ارائه شده است؟

تأویل از ماده (أول) در لغت به معنای ارجاع امری به مرجع، عاقبت و سرانجام آن است و مقصود از تأویل کلام، ارجاع آن به مقصود اصلی و نهایی سخن می‌باشد. در قرآن کریم هفده بار این واژه به کار رفته که از نظر معنا در سه گروه جای می‌گیرد: ۱. تأویل فعل؛ ۲. تأویل رؤیا؛ ۳. تأویل کلام. تأویل در آیه ۵۳ اعراف و ۳۹ یونس به تحقق و وقوع عینی وعده‌ها و وعیدهای الهی در قرآن تفسیر شده است، و در آیات ۳۵ اسراء و ۵۹ نساء با معنای عاقبت و سرانجام فعل و عمل تناسب دارد. در آیه ۷۸ و ۸۲ کهف نیز به معنای حقیقت و رمز اعمال پیچیده عبد صالح خدا (خضر) ع است که بر حضرت موسی (ع) دشوار آمد و سپس این رمز توسط خضر گشوده شد. در آیات سوره یوسف به معنای راز و رمز رؤیا تلقی شده است. در مواردی که تأویل در قرآن کریم به خود قرآن نسبت داده شده، به یکی از سه معناست: تحقق و وقوع عینی، عاقبت و سرانجام، راز و رمز مجهول و ناگشوده. روایاتی که در آن‌ها واژه تأویل به کار رفته، در دو گروه قابل توجه‌اند: ۱. روایات حاکی از جایگاه و نقش تأویل؛ ۲. روایات ناظر به تأویل آیاتی از قرآن. از مجموع کاربردهای روایی به دست می‌آید که اولاً: تأویل هم به لحاظ معنای ظاهری و هم به لحاظ معنای باطنی به کار رفته است. ثانیاً: تأویل هم بر تطبیقات خارجی و هم بر شرح معنایی اطلاق شده است؛ ثالثاً: تأویل افزون بر آیات متشابه، در مورد عموم آیات نیز کاربرد دارد. در اصطلاح عالمان اسلامی برای معنای تأویل با سه رویکرد مواجهیم: در رویکرد نخست که در میان عالمان علوم قرآنی و تفسیری، اصولیان، و متکلمین دیده می‌شود، تأویل از مقوله معنا و مدلول لفظی و هم سنخ با ماهیت تفسیر دانسته شده است. با این حال در این رویکرد چند تعریف از تأویل به دست داده شده و عمدتاً با تفسیر متفاوت است. در رویکرد دوم که به ابن تیمیه و برخی مفسران سلفی اختصاص دارد، تأویل به معنای واقعیات و مصادیق خارجی است که مضمون آیات بر آن‌ها منطبق می‌شود. بر همین اساس، طرفداران این نظریه تشابه آیات مورد اشاره در آیه ۷ آل عمران را ناظر به تحقق خارجی مضامین آیات دانسته‌اند. در رویکرد سوم که در میان فلاسفه، عرفا و باطنیان اسماعیلی رواج دارد، تأویل ناظر به حقایق و رموز پنهان آیات است. این سه گروه گرچه در اصل معنای تأویل اشتراک نظر دارند، در روش تأویل میان آن‌ها تفاوت جدی دیده می‌شود.

انواع رویکردها در تأویل آیات متشابه:

در این فصل دیدگاه‌های مختلف در تأویل آیات صفات خبری به دو رویکرد کلی ظاهرگرایی و عقل‌گرایی تقسیم شد. رویکرد ظاهرگرایی خود به دو رویکرد جزئی‌تر تقسیم گردید. رویکرد تنزیهی و تفویضی، و رویکرد تجسیمی و تشبیهی. وجه اشتراک هر دو گروه آن است که معیارهای عقلی را در بررسی

عارضی تلقی کرده و عوامل تاریخی و معرفتی متأخر را علل تشابه دانسته‌اند.^۳ برخی نیز اساساً اسرار و حکمت‌ها و آثاری را که بر وجود تشابه در آیات مترقب است، علل و عوامل تلقی کرده‌اند.^۴ در این‌جا با تکیه بر آنچه در فصول پیش مورد تأکید قرار گرفت و معنای نسبتاً عامی از تشابه بدون در نظر گرفتن شبهات ناظر به دلالت ظاهری و لفظی آیات، پایه بحث واقع شد، مباحث این فصل در دو قسمت علل و زمینه‌های تشابه، و حکمت‌ها و آثار آن سامان می‌یابد.

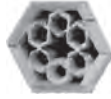
به‌طور کلی علل و زمینه‌های تشابه را در چهار محور می‌توان بررسی و دنبال کرد:

علل و زمینه‌های متنی: این علل در خصوصیات متن نهفته و به تشابه ذاتی اما نسبی قرآن ناظر است و در چهار بستر قابل پیگیری است: قصور لفظ از تحمل معانی متعالی، سعه دلالتی و ذووجه بودن لفظ، تدریجی بودن نزول آیات، و تنوع صنایع ادبی در زبان قرآن؛ علل و زمینه‌های معرفتی: این علل به نوع شناخت و دیدگاه مخاطب بازمی‌گردد و با تشابه عرضی مرتبط است. علل معرفتی یا به جهت قصور ادراکی مخاطب است یا به جهت ظاهر گروی و تعبد به ظاهر روایات تفسیری، و یا به جهت تفاوت در زاویه دید مفسران. علل و زمینه‌های تاریخی: برای زمینه‌های تاریخی تشابه دو عامل مشخص قابل توجه است: یکی فاصله گرفتن از فضای عصر نزول و تحولات پیش آمده در زبان عربی، و دیگری فضاهای مجادلات کلامی که در دوره‌های بعدی پیش آمد و به توسعه تشابه دامن زد؛ علل و زمینه‌های روانی: مقصود از علل روانی، اغراض و انگیزه‌های شخصی و گروهی است که مفسران را به دنبال محملی برای توجیه آرا و افکار خویش کشانده است. این عوامل یکی غرض‌ورزی و بیماردهلی و دیگری تعصبات گروهی و مذهبی است. در باب حکمت‌ها و آثار وجود تشابه در قرآن کریم نیز به دو نسخ حکمت اشاره کرده‌اند: یک نسخ حکمت ناظر به وجود تشابه حقیقی و غیرقابل حل است که عبارت‌اند از: لطف الهی و مراعات ظرفیت دانش مخاطبان، آزمایش و امتحان ایمان به غیب، به خضوع کشاندن انسان و اعتراف گرفتن بر جهل و نادانی‌اش. این حکمت‌ها همگی قابل نقد است. نسخ دیگر از حکمت‌ها ناظر به تشابهات قابل حل است؛ این حکمت‌ها عبارت‌اند از: تحقق یافتن بلاغت معجزه‌آسای قرآن، تسهیل حفظ آیات، کسب اجر و ثواب بیشتر بر اثر تلاش و مجاهدت علمی، تحصیل علوم نظری مرتبط با فهم قرآن، شکوفایی عقل و پرهیز از رویکرد سطحی و تقلیدی، سوق دادن توده مؤمنان به سوی راسخان در علم.

تأویل متشابهات و نقش راسخان در علم

بررسی دیدگاه‌های مفسران و جریان‌های مختلف فکری اسلامی در باب تأویل متشابهات معنانشناسی تأویل: تأویل در لغت به چه معناست و در چه معنا یا معنایی به کار رفته است؟ تأویل در کاربردهای قرآنی به چه معناست؟ در روایات اسلامی تأویل چه کاربردهایی





استعمال مجاز را نفی حقیقت و نفی صفات دانسته و آن را رد می‌کند؛^۴ پشتوانه ظاهرگروی وی روایاتی است در باب صفات خدا که وی بر مفهوم ظاهری آن‌ها تکیه می‌کند.^۵ وی برای رهایی از تشبیه سه راه‌کار در پیش گرفته است:

الف) گاه برای اثبات ظاهر صفات برای خدای متعال قید نفی کیفیت به کار می‌برد؛

ب) گاه میان تفسیر و تأویل تفکیک کرده، می‌گوید: آنچه مجهول است و ورود به آن موجب تشبیه می‌شود، تأویل اوصاف است و نه تفسیر آن‌ها؛

ج) گاه در تجزیه و تحلیل مفاهیم اوصاف مشترک میان خدا و انسان، به اشتراک معنوی آن مفاهیم روی می‌آورد و معتقد می‌شود این اشتراک معنایی موجب تشابه و تماثل نمی‌شود؛ زیرا تنها در ظرف ذهن ما وجود دارد و نه در واقعیت خارجی خدا و خلق. اما هیچ‌یک از این پنج دیدگاه ابن تیمیه تمام نیست و همه آن‌ها مورد نقد قرار گرفت؛ افزون بر این راهکارهای سلفیان برای نفی تشبیه، در روش تفسیر انسجامی ندارد و در عمل برخلاف جهت این راهکارها گام برداشته‌اند.

رویکرد امامیه در تأویل آیات متشابهات

مهم‌ترین نقطه بحث و محل نزاع در آیه ۷ آل عمران مسئله عطف یا استینافی بودن واو در عبارت «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» می‌باشد. محور دیگر مهم مورد اختلاف، تعیین مرجع ضمیر در «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ» است که آیا به تمام قرآن (الکتاب) بازمی‌گردد یا آیات متشابه (ما تشابه منه). در مورد نخست سه دیدگاه مطرح است: ۱. دیدگاه معتقد به عاطفه بودن واو، و نتیجه آن این است که راسخان در علم همانند خداوند عالم به تأویل متشابهات خواهند بود؛ ۲. دیدگاه معتقد به استینافی بودن واو، که بر اساس آن علم به تأویل آیات متشابه منحصر به خداوند است، و راسخان در علم از آن آگاهی نخواهند داشت؛ ۳. دیدگاه سوم هر دو وجه را پذیرفته و با اختلاف رأی، هر وجه را به بعد خاصی از آیات ناظر دانسته است. سید مرتضی و راغب اصفهانی از جمله طرفداران دیدگاه سوم‌اند که دو تحلیل متفاوت از آن ارائه کرده‌اند. از نظر لغوی، آیه شریفه قابلیت پذیرش هر دو وجه را دارد؛ همچنان که در روایات شیعی منقول از اهل بیت (ع) نیز شاهدهی بر هر دو وجه یافت می‌شود. به نظر می‌رسد دیدگاه سوم صحیح‌تر باشد؛ به عبارت دیگر، قول به عاطفه بودن واو ناظر به دانش راسخان در علم به ظاهر و باطن آیات متشابه باشد، و قول به استینافی بودن واو ناظر به جهات سلبی و حوزه‌های ممنوعه‌ای از صفات خداوند باشد که از ورود و غور در آن‌ها نهی شده است.

۴. فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۷، ص ۱۷۱.

۵. قرضاوی، کیف نتعامل مع القرآن العظیم، ص ۲۷۰-۲۷۱.

۶. رک: معرفت، التمهید، ج ۳، ص ۱۶-۲۲. به نقل از: ابن رشد،

الکشف عن مناهج الأدله، ص ۹۷، ۹۶، ۸۹ و ۱۰۷.

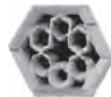
۷. همان: طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۵۶-۵۷.

ظهور آیات متشابه قاصر می‌دانند. ۱. رویکرد تنزیهی و تفویضی به بسیاری از صحابه و تابعان و پیشوایان حدیث و مذاهب فقهی اهل سنت اختصاص دارد. در این رویکرد، ظاهر صفات خبری برای خداوند اثبات می‌شود، اما در حد باور و ایمان کلی باقی مانده، از شرح و تفسیر کیفیت صفات در خداوند اجتناب و ساحت الهی از توصیف‌های انسانی تنزیه، و ورود به این عرصه بدعت و ناروا شمرده می‌شود. ۲. رویکرد تجسیمی و تشبیهی نیز به برخی از اهل کتاب در صدر اسلام و جماعتی از اهل حدیث در عصر نخست متعلق است. طرفداران این رویکرد گرچه مدعی نفی تشبیه هستند، با شرح و تفسیر ظاهر صفات و انتساب آن به خداوند معتقدند که صفات خدا به همان معنای ذهن انسانی است، ولی در حد و اندازه‌ای بزرگ‌تر که شایسته خدا بوده و از نقص و ضعف پیراسته باشد. رویکرد عقل‌گرا نیز به سه رویکرد اشعری، اعتزالی و امامی تقسیم گردید؛ که در این فصل تنها دیدگاه‌های اشعری و اعتزالی بررسی شد، و بحث درباره رویکرد امامی و نیز رویکرد سلفی که جزء رویکردهای ظاهرگرایی است، به فصول وانهاده شد.

رویکرد سلفیه در تأویل متشابهات

رویکرد عقل‌گرای متکلمان اشعری مانند دیگر عقل‌گرایان، از قرن هفتم و هشتم هجری با ظهور ابن تیمیه (۷۲۸ ه) و سپس ابن قیم (۷۵۱ ه) و شمس‌الدین ذهبی (۷۴۸ ه) با نگرش ظاهرگرایانه به چالش کشیده شد. نگرش ظاهرگرایانه ابن تیمیه به‌رغم توجیهات عقلی و نقلی گسترده، در طول حیات او و سال‌های پس از آن با واکنش انتقادی شدیدی از سوی بسیاری از محققان چون قاضی ابویعلی، ابن زاغونی از عالمان حنبلی و نیز ابن حجر عسقلانی، سبکی و دیگران مواجه شد. اندیشه‌های او هر چند به‌طور پراکنده تا چند قرن در میان طیفی از عالمان عمدتاً حنبلی مورد توجه بود، ظهور مجدد آن را باید مرهون محمدبن عبدالوهاب و تلاش‌های علمی سیاسی او با همکاری خاندان سعود در سرزمین حجاز در قرن دوازده هجری دانست که به سامان یافتن فرقه وهابیت در این سرزمین انجامید. وهابیان به ابن تیمیه به‌عنوان پیشوا، امام و مصلح بزرگ می‌نگرند و بر آرای و به‌مثابه اندیشه‌های اصیل سلف تکیه می‌کنند. از آثار او می‌توان به التوحید، کشف الشبهات و تسع رسائل اشاره کرد. در قرن اخیر، عبدالله بن باز و ناصرالدین آل‌بانی به‌طور جدی آرای ظاهرگرایانه این مکتب را عرضه داشته‌اند.

رویکرد عقل‌گرای اشاعره مانند دیگر عقل‌گرایان از قرن هفتم و هشتم هجری با ظهور ابن تیمیه با نگرش ظاهرگرایانه به چالش کشیده شد. اهم دیدگاه‌های ابن تیمیه در تأویل آیات صفات در پنج محور قابل توجه است: ۱. هیچ‌یک از سلف (صحابه و تابعین) آیه‌ای از آیات صفات را تأویل نکرده است؛ البته وی روایات حاکی از رویکرد تأویلی سلف را توجیه و نقد می‌کند؛ ۲. هیچ‌یک از سلف در فهم و تفسیر آیات صفات توقف و علم آن را به خدا تفویض نکرده است، بلکه همه نصوص کتاب و سنت را می‌فهمیدند و ظاهر آن را برای خدا اثبات می‌کردند؛ ۳. وی





پاسخ به نقد